

تبیین شاخصه های دلبستگی مکان در هویت بخشی به میدان شهری

نرجس عسکری^۱، مرتضی خسرونی^۲، آرش حق طلب^۳*

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه ارومیه، ایران، St_n.askari@urmia.ac.ir

۲- استادیار دانشگاه ارومیه، دانشکده معماری، شهرسازی و هنر، ارومیه، m.khosronia@urmia.ac.ir

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه ارومیه، ایران، St_a.haghtalab@urmia.ac.ir

چکیده

تغییر و تحولات زندگی در شهرهای امروزی، موجب کم رنگ شدن و یا از دست رفتن بسیاری از فضاهای شهری و عملکردهای اجتماعی و فرهنگی آنها شده است. تغییراتی که اغلب، احساس عدم تعلق، بی هویتی و عدم مشارکت شهروندان در فعالیتهای اجتماعی را به دنبال دارد. دلبستگی به مکان، نقطه تلاقی عناصر کالبدی، فعالیتها و مفاهیم ذهنی نسبت به مکان است. این حس دلبستگی موجب تبدیل فضا به مکانی با ویژگیهای حسی و رفتاری خاصی برای افراد می شود. میدان با ابعاد مختلف معنایی، عملکردی و احساسی می تواند نقش مهمی در ارتقای کیفی فضاهای شهرهای امروز ایفا کند. در این میان، توجه به عوامل مؤثر در دلبستگی افراد به میدان های شهری می تواند نقش مؤثری در هویت و مطلوبیت میدان ها داشته باشد. با توجه به اهمیت دلبستگی به مکان در ارتقای کیفیت محیط، این تحقیق ضمن بررسی مفهوم دلبستگی و ابعاد آن، با تبیین شاخص های دلبستگی به مکان، نقش دلبستگی به مکان را در ایجاد مطلوبیت و هویت میدانهای شهری بررسی می کند. تحقیق حاضر ابتدا به بررسی مفهوم مکان و هویت پرداخته، سپس با بررسی مفهوم میدان در جهت پیشنهاد شاخصه هایی جهت ارزیابی میزان دلبستگی به مکان در میدان شهری بر می آید.

واژه های کلیدی: مکان، دلبستگی، هویت، میدان، انسان.

۱- مقدمه

شهر با حضور مردم و تعامل آنها با یکدیگر معنا می یابد و فضاهای شهری باید بتوانند افزون بر رفع نیازهای روزمره و جای دادن عملکردهای معمول در درون خود، بستر مناسبی برای ارتباط اجتماعی مردم با یکدیگر فراهم آورند. آنچنان که فضاهای شهری ایران در گذشته، دارای چنان ظرفیت و غنای کالبدی و معنایی بوده اند که بسیاری از آنها هنوز هم پس از سال ها پاسخ گوی نیازهای فیزیکی و فطری مردم هستند.

این فضاهای تاریخی، در ابعاد مختلف بصری، عملکردی و اجتماعی و همچنین کیفیت حسی و روانی، دارای ویژگی های مثبت و ارزشمندی بوده و هستند که با وجود عدم رسیدگی کافی به بسیاری از آن ها و آسیب دیدگی و فرسودگی کالبدی، همچنان حس تعلق را در مردم بر می انگیزند و آنان را به گردش در خود وا می دارند. از این روست که افزون بر مرمت و احیای فضاهای ارزشمند بافت تاریخی، شناخت و تحلیل نظری این فضاها، باید در فضاهای شهری امروزی، به عنوان الگوی طراحی استفاده شود. اما متأسفانه در شرایطی قرار داریم که به جای الگو گرفتن از بافت تاریخی و ارزش های انسانی و فرهنگی آنها، همین فضاهای تاریخی باقیمانده نیز کم کم فدای رشد بی رویه ی شهرها می شوند و با موج نگاه سودمدار به زمین، معمولاً به عملکردهای تجاری اختصاصی می یابند. حرکت اتومبیل و بهای زمین به جای مقیاس انسانی و کیفیت فضا، به معیار ساختن تبدیل شده و توجه به جنبه های معنایی و روانشناسانه دارای کم ترین نقش در طراحی فضاهاست. سلطه ی